

چکیده

چنین می‌نماید که فرهنگ و روابط اجتماعی در شهرهای امروزی دگرگون شده، زندگی شهری ضربه‌هاستند تندتری یافته و روابط اجتماعی نیز سردتر از گذشته شده‌اند. محققان، تغییرات اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری را به عوامل مختلفی نسبت می‌دهند. برخی بر تغییرات رفتاری جامعه طی زمان تأکید می‌ورزند و بروز نوعی فردگرایی را عامل این تغییرات می‌دانند؛ و دسته‌ای دیگر اندازه شهر را به لحاظ وسعت و جمعیت عامل اصلی مؤثر بر رفتار اجتماعی و فرهنگ و روابط مردم می‌شناسند. اما یکی از مطرح‌ترین دیدگاه‌ها در این زمینه نقش پدیده سرعت و ضربه‌هاست زندگی شهری است.

سرعت زندگی شهری و ضربه‌هاستند شهری ادراک ذهنی از سرعت گذر زمان است، و خود ناشی از ویژگی‌های محیطی و خصوصیات فردی مردم است. عوامل غیرزمانی چندی در این ادراک ذهنی مؤثرند، که مهم‌ترین آنها عبارتند از تعداد وقایعی که در یک واحد زمانی رخ می‌دهند، میزان پیچیدگی وقایع و در نتیجه مقدار فضای حافظه مورد نیاز برای ثبت آنها، تنوع وقایع، پیچیدگی ادراک واقعه، حالات احساسی و عاطفی درونی فرد نسبت به واقعه، بزرگی و شدت واقعه، و بالاخره میزان احساس اضطراب زمان.

مطالعات نشان می‌دهند که ابعاد مفهومی مجزاکننده محیط‌های دارای ضربه‌هاستند تند از محیط‌های دارای ضربه‌هاستند کند، عبارتند از انگیزش - فعالیت، احساس - ارزیابی و بالاخره بالاسری هزینه زندگی. یکی از مهم‌ترین جنبه‌هایی که سرعت زندگی شهری بدان نسبت داده می‌شود اندازه شهر است، به طوری که شهرهای بزرگ با سرعت و ضربه‌هاستند تند، و شهرهای کوچک با سرعت و ضربه‌هاستند کند ارزیابی می‌شوند.

هرچند زندگی در شهرهای بزرگ عموماً به لحاظ کیفیت زندگی مطلوبیت ندارد، اما توان انطباق‌پذیری انسان، این شرایط را برای وی تحمل‌پذیر می‌سازد. این واقعیت که انسان می‌تواند محیط‌هایی را به وجود آورد و برای مدتی نیز با آن انطباق حاصل کند، به این معنی نیست که این محیط‌ها ضرورتاً محیط‌های مطلوبی هستند. به عبارتی، ما با انطباق‌پذیری تدریجی، دچار خطای دریافت می‌گردیم و شرایطی را پذیرا می‌شویم که در درازمدت هم برای حیات طبیعی و هم برای حیات اجتماعی - فرهنگی ما نابودکننده است. شتابناکی زندگی

بخش ویژه

طراحی شهری

زمان، سرعت و ضربه‌هاستند زندگی شهری

راضیه رضازاده

دکتر در طراحی شهری و استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

مجله مدیریت شهری / شماره ۹ / بهار ۱۳۸۱



شهری خود حاصل همین تلاش انسان برای انطباق با محیط شهری است؛ اما در عین حال مستلزم سرعت فعالیت و کاهش روابط اجتماعی است و در نهایت به مرگ حیات اجتماعی شهر می‌انجامد.

از آنجا که یکی از مهم‌ترین اهداف شهرسازی ایجاد محیط‌های کالبدی متناسبی است که در آنها روابط اجتماعی مطلوب شکوفا گردند و مفاهیمی چون هویت و تعلق مکانی تقویت شوند، بایستی به راهکارهای مناسب برای نیل به اهداف مذکور اندیشید. راهکارهای طراحی شهری می‌توانند در کاهش احساس و ادراک سرعت زندگی شهری و ضریاهنگ شهری مؤثر باشند و زمینه‌های تقویت روابط اجتماعی را فراهم سازند. با سامان‌دهی کالبدی می‌توان از ادراک و سرعت زندگی شهری کاست و امکان بهره‌مندی از آسایش توأم با آرامش را در شهر فراهم ساخت. بدین ترتیب، می‌توانیم با ابزارهایی که در مقام طراح شهری در اختیار داریم، امکان آن را فراهم سازیم که از مشکلات ادراکی در فضای شهر کاسته شود و محیط شهری به شکل ادراکی مطلوبی درآید.

۱- مقدمه

در باره شهر قدیم، و روابط انسانی، فرهنگ اجتماعی متعالی و آرامش زندگی آن زیاد شنیده و خوانده‌ایم. گلابه از شهر امروز و روابط غیر انسانی و فرهنگ ماشینی و شتابزده آن هم موضوعی تازه نیست. آنچه برای یک محقق به عنوان سؤالی اساسی مطرح می‌گردد، آن است که این تغییرات در فرهنگ شهری و تبدیل روابط انسانی و آرامش حاکم به روابط ماشینی و شتابزده در نتیجه کدام عوامل به وجود آمده‌اند؟ آیا این تغییرات پیامد جبری رشد و توسعه شهرها و گذر زمان است؛ یا عواملی دیگر در این جریان مؤثر بوده‌اند؟ و بالاخره آنکه چگونه و با چه ابزارهایی می‌توان بر فرهنگ و روابط اجتماعی در شهرها تأثیر مثبت گذاشت؟ برای این منظور، در این نوشتار نخست به بررسی عوامل احتمالی مؤثر بر روابط اجتماعی - فرهنگی پرداخته می‌شود و نظریه‌های مطرح در این زمینه ارزیابی می‌گردد؛ و سپس با تدوین نظریه‌ای روشن که چگونگی تأثیر عوامل کالبدی را بر روابط اجتماعی - فرهنگی توضیح می‌دهد، به تدوین راهکار پرداخته می‌شود. در این خصوص بر تأثیر عوامل کالبدی بر ادراک زمان و نقش آن در روابط اجتماعی - فرهنگی تأکید می‌گردد.

۲- عوامل مؤثر بر روابط اجتماعی

محققان، تغییرات اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری را به عوامل مختلفی نسبت می‌دهند. برخی بر تغییرات رفتاری جامعه طی زمان تأکید می‌ورزند و بروز نوعی فردگرایی را عامل این تغییرات رفتاری می‌دانند؛ و دسته‌ای دیگر اندازه شهر را به لحاظ وسعت و جمعیت عامل اصلی مؤثر بر رفتار اجتماعی و فرهنگ و روابط مردم می‌شناسند. اما یکی از مطرح‌ترین دیدگاه‌ها در این زمینه نقش پدیده سرعت و رابطه آن با ادراک از زمان در زندگی شهری است. از منظر دیدگاه اخیر، زمان در شهرهای بزرگ با سرعت بیشتری نسبت به شهرهای کوچک در حال گذار است. در تحقیقات به عمل آمده، بسیاری از مردم اظهار می‌کنند که در شهرهای کوچک به همه امور خود می‌رسند و در عین حال وقت زیاد می‌آورند؛ اما در شهرهای بزرگ همواره با کمبود وقت مواجه هستند و چنین می‌نمایند که زمان در این شهرها با سرعت بیشتری می‌گذرد.

زندگی در شهرهای بزرگ نه تنها مطلوب نیست بلکه پیامدهای منفی بسیاری را نیز در بردارد. در نظر سنجی تفصیلی که سه دهه پیش کمیسیون ملی رشد جمعیت امریکا انجام داد، ۸۶ درصد از آمریکایی‌ها مایل بودند در روستاها و یا شهرهای کوچک زندگی کنند و تنها ۱۳ درصدشان زندگی در شهرهای بزرگ را مطلوب می‌دانستند. در این مطالعه شهرهای دارای جمعیت بیش از ۲۵۰/۰۰۰ نفر، به عنوان شهر بزرگ تعریف شده بودند. این



نظرسنجی نشان داد که تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ از نظر شهرنشینان چندان مطلوب نبوده، ولی با این همه سکونت در این گونه شهرها - عمدتاً به دلایل شغلی - به صورتی اجتناب‌ناپذیر درآمده است.

همین مطالعه نشان می‌دهد که از نظر بسیاری از امریکایی‌ها، در شهرهای بزرگ رقابت بیش از حد است و این شهرها موجب جدایی اجتماعی و انزوا (۱) می‌گردند و محیطی سرد و بی‌روح و فاقد عواطف انسانی به وجود می‌آورند. سیمن (۲) (۱۹۷۲) نیز در تحقیقاتی جداگانه نشان داده است که اندازه شهرها تأثیر مستقیمی بر انزوای شهری و ندان دارد، به طوری که میزان انزوای طلبی در شهرهای بزرگ بیشتر است.

برخی از مطالعات کلاسیک دیگر نیز نشان می‌دهند که ازدحام (۳) و تراکم (۴) عامل مهم و مؤثر در شکل‌گیری رفتار اجتماعی در شهرهاست. مطالعات اشمید (۵) (۱۹۶۰) نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین تراکم جمعیت و جرم و جنایت وجود دارد. تحقیقات تجربی کالهنون (۶) (۱۹۶۲) نیز نشان داد که رابطه مستقیمی بین ازدحام و تراکم و رفتار خشونت‌آمیز در بین موش‌های آزمایشگاهی دیده شده است و احتمال می‌رود که انسان نیز در شرایط تراکم بیش از حد و ازدحام، چنین واکنشی از خود نشان دهد. و بالاخره مطالعات لانسینگ (۷) (۱۹۷۰) نشان می‌دهد که با افزایش تراکم، انزوای طلبی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد، به طوری که رابطه همبستگی منفی بین تراکم جمعیت و شناخت همسایه‌ها وجود دارد. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که: آیا رابطه روشنی میان اندازه شهر، و ادراک سرعت گذر زمان، و بالاخره فرهنگ شهری در روابط اجتماعی حاکم در آن وجود دارد؟

۳- سرعت زندگی شهری و ضرباهنگ شهری

هر چند که فیزیک کلاسیک، زمان را پدیده‌ای ثابت می‌داند که با سرعتی یکنواخت در گذر است و مستقل از وقایع و حوادث به شکلی عینی قابل سنجش و اندازه‌گیری است، اما از نظر ادراک ذهنی، درک از زمان یکسان نیست و سرعت گذر زمان پدیده‌ای وابسته به خصوصیات فردی و شرایط است. گیبسون (۸) معتقد است که سرعت گذر زمان برای هر فرد در امور و حالات مختلف متفاوت است و با توجه به تعداد (۹) و ماهیت (۱۰) وقایع دائماً تغییر می‌کند. سرعت زندگی شهری و ضرباهنگ شهری ادراک ذهنی ناشی از ویژگی‌های محیطی و خصوصیات فردی است. برای مثال، میزان و سطح سروصدا، حجم و تراکم آلوده‌شد سواره و پیاده، حجم وسایل نقلیه در حرکت و میزان تنش درونی افراد (۱۱) و اضطراب زمانی (۱۲)، همگی بر ادراک ذهنی از سرعت زندگی شهری و ضرباهنگ شهری اثر دارند.

از آنجا که سرعت زندگی شهری (۱۳) و ضرباهنگ شهری (۱۴) امروزه به عنوان عامل مهمی در کاهش تعاملات اجتماعی و بروز روحیه فردگرایی مطرح شده است، لازم است که ماهیت سرعت و ادراک از سرعت مورد بررسی قرار گیرد و سپس تأثیرات آن بر روابط شهری بررسی شود. در اینجا پدیده سرعت زندگی شهری به عنوان پدیده‌ای غیر عینی - و عمدتاً ذهنی - مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در غالب مطالعات انجام شده در خصوص سرعت زندگی شهری امروز، نه بر ادراک ذهنی (۱۵) این پدیده، بلکه بر تظاهرات بیرونی و رفتاری آن تکیه شده است. این مطالعات - که عموماً بر تفاوت سرعت شهری در شهرهای کوچک و بزرگ تأکید دارند - شاخص‌هایی مانند سرعت حرکت عابران پیاده و یا مدت زمانی را که اشخاص برای انجام یک ارتباط اجتماعی صرف می‌کنند، ملاک سنجش سرعت زندگی شهری قرار داده‌اند (Milgram 1970, Lowin 1971).

سرعت زندگی شهری و ضرباهنگ شهری امروزه به عنوان عامل مهمی در کاهش تعاملات اجتماعی و بروز روحیه فردگرایی مطرح شده است

در صورتی که شخص واکنش منفی نسبت به محیط داشته باشد، و ترکیب و نوع ترافیک و یا سایر عوامل محیطی نیز برای وی آزاردهنده باشد، بر سرعت خود می افزاید. این در حالی است که اگر محیط برای وی دلپذیر باشد، با ثباتی و آرامش بیشتری به فعالیت های مختلف در آن می پردازد

در این تحقیقات، بنابه تعریف، جاهایی که مردم در صورت فقدان موانع عملکردی با سرعت زیاد به حرکت و فعالیت می پردازند یا وقت کمتری را صرف تبادلات اجتماعی خود می کنند، مکان هایی با سرعت زیاد (۱۶) هستند. در مقابل، فضاهایی که به رغم فقدان موانع عملکردی کم تحرک و ساکن هستند، مکان هایی با سرعت کم (۱۷) محسوب می شوند. با آنکه شاخص هایی چون سرعت حرکت و سرعت تبادلات اجتماعی می توانند به عنوان معیارهای سنجش سرعت زندگی شهری به کار گرفته شوند، اما این شاخص ها تنها عوامل بیرونی و رفتاری افراد را مورد سنجش قرار می دهند و نمی توانند عوامل درونی چون ادراک اشخاص را بسنجند. به عبارتی، به دلیل درک خاص سرعت وقایع، شهروندان ناگزیر در رفتار خود تجدیدنظر می کنند و رفتاری سریع تر و عجولانه تر از خود بروز می دهند؛ و رفتار نیز خود حاصل ادراک از نحوه گذر زمان است. گرچه می توان رفتار را به عنوان یک شاخص سنجش سرعت گذر زمان مورد بررسی قرار داد، اما خود حاصل فرایندی ذهنی است.

فروین (۱۸)، محقق و نویسنده کتاب پیاده رویندگان (۱۹)، در مطالعات مفصلی که در خصوص رفتار پیاده ها انجام داده به این نتیجه رسیده است که عوامل روان شناختی، واکنش نسبت به محیط، ترکیب ترافیک و هدف سفر، همگی می توانند بر سرعت حرکت آزاد بدون مانع (۲۰) عابر پیاده اثر بگذارند (Frumin 1971, P. 41). به عبارتی در صورتی که شخص واکنش منفی نسبت به محیط داشته باشد، و ترکیب و نوع ترافیک و یا سایر عوامل محیطی نیز برای وی آزاردهنده باشد، بر سرعت خود می افزاید. این در حالی است که اگر محیط برای وی دلپذیر باشد، با ثباتی و آرامش بیشتری به فعالیت های مختلف در آن می پردازد.

یکی از نمونه های این تعجیل هنگامی است که شخص در خیابان های شلوغ و پرازدحام رانندگی می کند. در این حالت وی در محیطی پرتنش و آزاردهنده قرار گرفته است. این محیط برای وی لذتبخش نیست و بنابراین می کوشد بر سرعت حرکت وسیله نقلیه خود بیفزاید تا سریع تر به مأمی چون خانه رود. به همین دلیل است که گاه ما رانندگان را به باد انتقاد می گیریم که: این همه تعجیل برای چیست و مگر چه خیر است. اما بایستی متوجه باشیم که حالت احساسی آنان بر سرعت حرکت تأثیر می گذارد. هدف سفر نیز بر سرعت حرکت تأثیر بسیار دارد. هنگامی که شخص به محل کار می رود، به دلیل آنکه دچار اضطراب زمانی است و بایستی در زمان خاصی به محل کار خود برسد، بر سرعت حرکت خود می افزاید، در حالی که همین شخص در صورتی که در حال رفتن به پارک به منظور گردش و تفریح باشد، دچار اضطراب زمانی نمی شود، چرا که در اینجا دیگر ضرورت تبعیت از برنامه زمانی ثابت و انعطاف ناپذیر به آن مفهوم وجود ندارد. همین امر نحوه رفتار و سرعت حرکت وی را تعدیل می کند.

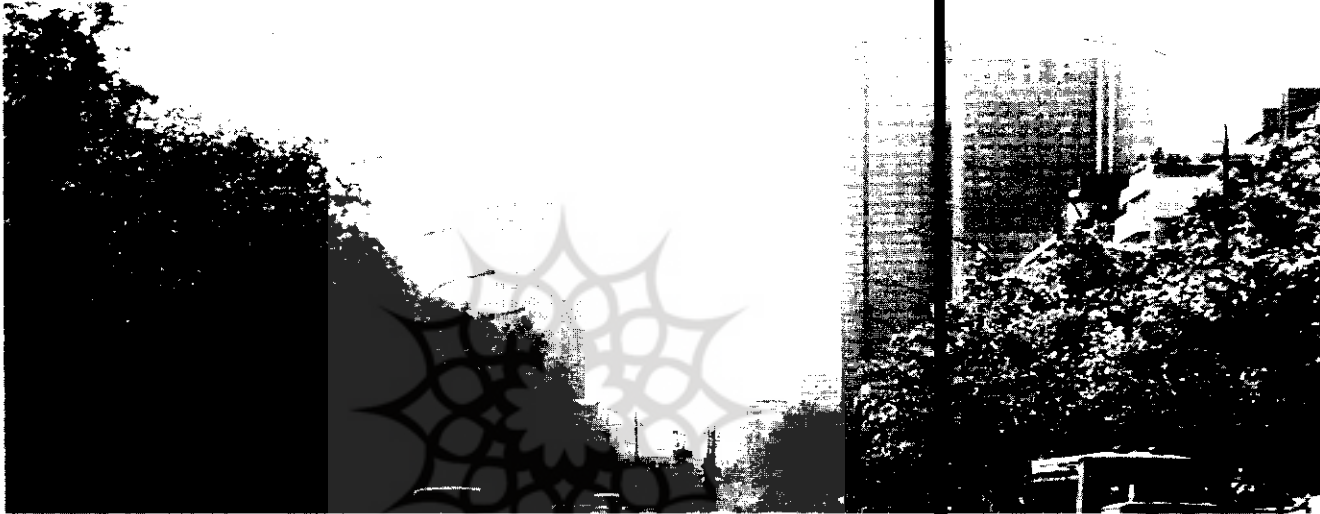
افزایش سرعت حرکت پیاده و همچنین بی صبری رانندگان در شهرهای بزرگ، ناشی از واکنش منفی نسبت به محیط، و ترکیب ترافیکی همراه آن است. به عبارتی، افزایش سرعت حرکت پیاده و کاهش یافتن مدت و سطح تبادلات اجتماعی در شهرهای بزرگ خود ناشی از تلاش برای انطباق با محیط و زندگی شهری است. در واقع سرعت ادراک شده زندگی شهری موجب بروز سرعت در رفتار و تبادلات اجتماعی می گردد.

در اینجا در پی آن هستیم که محرک های مؤثر بر ادراک سرعت و ضرباهنگ شهری را بشناسیم. سرعت حرکت پیاده تنها زیرمجموعه ای از یکی از محرک های محیطی است که به ادراک تنیدی یا کندی سرعت گذر زمان منتهی می شود؛ اما بایستی توجه داشت که خود حاصل ادراک گذر سریع زمان و ضرورت انطباق با آن است. احتمالاً بسیاری از محرک هایی که بر ادراک سرعت گذر زمان اثر دارند، ارتباطی به معیارهای عینی سنجش سرعت ندارند. اما می توان ویژگی های عینی و کالبدی شهر را که در ادراک کندی و تنیدی گذر زمان مؤثر واقع

می‌شوند، شناخت و برآنها اثر گذاشت.

مطالعات انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر ادراک از سرعت گذر زمان و ضرباهنگ شهری نشان می‌دهد که عوامل غیرزمانی چندی در این ادراک ذهنی مؤثرند. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از تعداد وقایعی که در یک واحد زمانی رخ می‌دهند، میزان پیچیدگی وقایع و در نتیجه میزان فضای حافظه موردنیاز برای ثبت آنها، تنوع وقایع، پیچیدگی ادراک واقعه، حالات احساسی و عاطفی درونی فرد نسبت به واقعه، بزرگی و شدت واقعه، و بالاخره میزان احساس اضطراب زمان.

جالب آن است که بسیاری از عوامل مؤثر بر ادراک و تخمین زمان، عواملی هستند که در شهرهای بزرگ و کوچک تفاوت‌های عمده‌ای دارند. برای مثال، محیط‌های شهری بزرگ به دلیل تحریکات بیشتر محیطی ناشی از نور و سروصدا و شلوغی معمول آنها، و به عبارتی تعداد وقایعی که در یک واحد زمانی رخ می‌دهند، تندتر ارزیابی می‌شوند. کیفیت احساسی وقایع نیز بر ادراک و تخمین زمان (۲۱) مؤثرند، به طوری که احساسات منفی موجب بروز افزایش تخمین زمان می‌شود، در حالی که احساسات مثبت موجب کاهش آن می‌گردد.

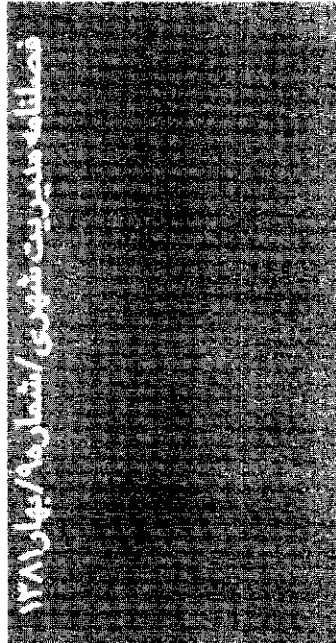


به طور کلی در حالت فشار روانی توجه و آگاهی زمانی فرد افزایش می‌یابد و زمان کندتر می‌گذرد، در حالی که در حالت استراحت و راحتی از میزان توجه و آگاهی زمانی فرد کاسته می‌شود و به نظر می‌آید که زمان خیلی سریع گذشته است. تفاوت سرعت گذر زمان برای شخصی که در انتظار اتوبوس در صفی فشرده و در زیر آفتاب سوزان قرار گرفته، با سرعت گذر زمان برای همان شخص هنگامی که در کنار دریاچه‌ای زیبا نشسته است و پرواز پرندگان وحشی را تماشا می‌کند، کاملاً پارز است. این جمله‌ها برای مان آشنا هستند که «آنقدر خوش گذشت که نفهمیدم کی گذشت» و در مقابل نیز، «گویی زمان به کندی در حرکت بود». این نمونه‌ها به خوبی روشن می‌کنند که قسمتی از سرعت ادراک گذر زمان را حالات درونی افراد به وجود می‌آورد.

در پژوهشی از سادلا و همکاران وی (۲۲) (۱۹۹۰) به منظور درک مفهوم سرعت زندگی شهری به عنوان پدیده‌ای ذهنی، و رابطه آن با عوامل محیطی و خصوصاً اندازه شهرها، این پدیده از دید مردم مورد سنجش قرار گرفت. از نظر این پژوهشگران، ادراک ذهنی از سرعت زندگی شهری، خود متأثر از برخی عوامل عینی چون سطح آلودگی صوتی، تعداد و تراکم تردد سواره و پیاده، و سطح تنش درونی (۲۳) هر فرد است. به عبارتی، سرعت حرکت و سرعت تبدلات اجتماعی در واقع نوعی واکنش رفتاری به نوع ادراک سرعت زندگی شهری است ولی با این همه می‌تواند به عنوان یکی از شاخص‌های عینی سنجش سرعت زندگی شهری مورد استفاده قرار گیرد.

سادلا و همکاران وی نخست به بررسی ویژگی‌های ذهنی افراد در محیطی شهری با ضرباهنگ تند، و محیطی با ضرباهنگ کند پرداختند. این ویژگی‌ها براساس توصیف آزاد ۱۶۰ پاسخ دهنده به دست آمد. براساس تحلیل این داده‌ها، با استفاده از دو تکنیک آماری مختلف - یعنی تحلیل خوشه‌ای (۲۴) و تحلیل سنجش چند بعدی (۲۵) - مشخص شد که ادراک محیط دارای سه بعد معنایی است: بعد احساسی (احساسات مثبت در مقابل احساسات منفی)، بعد انگیزش - فعالیت (محیط‌های پر فعالیت در مقابل محیط‌های کم فعالیت)، و بالاخره بعد اقتصادی - اجتماعی (محیط‌های پرهزینه، در مقابل محیط‌های کم هزینه). ابعاد مفهومی که محیط‌های دارای ضرباهنگ تند را از محیط‌های دارای ضرباهنگ کند مجزا می‌کنند، عبارتند از انگیزش - فعالیت، احساس - ارزیابی، و بالاخره بالاسری هزینه زندگی.

انگیزش - فعالیت مهم‌ترین بعد مفهومی محیط‌های دارای ضرباهنگ تند هستند. عموماً عواملی چون سروصدا، آلودگی هوا، منظر نازیبا و تعدد و تنوع وقایع باعث افزایش انگیزش می‌شود. معمولاً تأثیر میزان



انگیزش و فعالیت بر ادراک ذهنی سرعت گذر زمان با استفاده از مدل ساعت بیولوژیک (۲۶) انسان توضیح داده می‌شود. انسان از برخی ویژگی‌های طبیعی بدن خود - مانند ضربان قلب، تنفس و امثال آن - می‌تواند برای تخمین زمان استفاده کند. انگیزش به طور خودکار برخی از این اعمال غیرارادی بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنها را سرعت می‌بخشد؛ از این رو زمان سنج داخلی بدن دچار اختلال می‌شود و شخص گذر زمان را سریع‌تر می‌پندارد و در نتیجه بی‌صبری و ناآرامی از خود نشان می‌دهد.

بعد احساسی، یا به عبارتی احساسات مثبت و منفی، بر تخمین طول زمان و سرعت گذر آن مؤثر شناخته شده‌اند. ترس، خطر و شکست همگی باعث تخمین بیش از اندازه زمان می‌شوند. آنچه در اینجا جالب توجه می‌نماید، این است که احساسات مثبت نیز گاه باعث می‌شود که گذر زمان سریع‌تر به نظر آید. از این رو تنها بر تأثیر احساسات و حالات درونی افراد بر سرعت گذر زمان تأکید می‌گردد و کمتر از نحوه تأثیر احساسات مثبت یا منفی سخن به میان می‌آید. البته می‌توان این نکته را نیز اضافه کرد که در موارد گوناگون گاه نوعی بی‌حسی محیطی به چشم می‌خورد. در خصوص زمان نیز گاه چنین بی‌حسی زمانی ایجاد می‌گردد و شخص در واقع چنان غرق در جریانی دیگر - مانند خواندن کتاب یا تماشای فیلم - می‌شود که اصولاً توجهی به زمان نمی‌کند؛ در

زندگی در شهرهای بزرگ نه تنها هزینه اقتصادی بیشتری را دربردارد، بلکه فرصت‌های شغلی و درآمدی بیشتری را نیز در اختیار قرار می‌دهد و در عین حال باعث افزایش رقابت برای دستیابی به این فرصت‌ها می‌شود. افزایش رقابت موجب می‌گردد که ساکنان شهرهای بزرگ نه تنها به رقابت با دیگران بپردازند، بلکه با زمان نیز مسابقه‌ای دائمی ترتیب دهند

نتیجه عملاً از همه عوامل اختصاردهنده نیز باز می‌ماند و نهایتاً دچار مشکلات عینی مانند نرسیدن بموقع به امور و وظایف خود می‌شود.

بعد بالاسری هزینه زندگی ناشی از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی شهرهای بزرگ است. این شهرها فشار مالی و فعالیتی بیشتری را بر شهروندان تحمیل می‌کنند، و حجم کلی فعالیتی نیز در این شهرها بیشتر است؛ و اینها خود موجب ادراک گذر سریع زمان می‌شوند. بدین ترتیب، بعد هزینه بالاسری که به عنوان بعد مفهومی مؤثر بر ادراک سرعت زندگی شهری شناخته شده است، خود تحت تأثیر اندازه شهر قرار دارد. زندگی در شهرهای بزرگ نه تنها هزینه اقتصادی بیشتری را دربردارد، بلکه فرصت‌های شغلی و درآمدی بیشتری را نیز در اختیار قرار می‌دهد و در عین حال باعث افزایش رقابت برای دستیابی به این فرصت‌ها می‌شود. افزایش رقابت برای دستیابی به مشاغل و ثروت بیشتر که متناسب با کیفیت زندگی شهری است، موجب می‌گردد که ساکنان شهرهای بزرگ ناگزیر برای دستیابی به ابعاد متنوع زندگی و بهره‌وری از آنها در تلاش بی‌وقفه باشند و نه تنها به رقابت با دیگران بپردازند، بلکه با زمان نیز مسابقه‌ای دائمی ترتیب دهند.

محیط شهرهای بزرگ عموماً به دلیل تنوع و تعدد وقایع آنها، به مثابه محیط‌هایی با ضرباهنگ سریع ارزیابی می‌شوند. پدیده اضطراب زمانی نیز پدیده‌ای شهری است که به منظور ادراک سرعت و ضرباهنگ زندگی شهری می‌توان بدان اشاره کرد. زندگی در شهرهای بزرگ مستلزم تبعیت از برنامه زمان‌بندی دقیق است، حال آنکه ماهیت زندگی شهری، موانع عینی و پیش‌بینی‌ناپذیری را بر سرانجام چنین برنامه زمان‌بندی دقیقی به وجود می‌آورد. سنگینی و کندی پیش‌بینی‌نشده ترافیک از موارد بارزی است که موجب تنش می‌گردد و تجربه اضطراب زمانی یا تعجیل به دلیل نگرانی از انجام نشدن بموقع کارها را باعث می‌شود. بعد بالاسری هزینه زندگی یکی از عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده اضطراب زمانی است که به طور مستقیم بر ادراک سرعت گذر زمان تأثیر می‌گذارد.

۴- واکنش‌های محیطی و انطباق پذیری

عدم رضایت شهروندان از محیط زندگی آنها می‌تواند واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشته باشد. (۲۷) مهم‌ترین این واکنش‌ها به طور خلاصه عبارتند از: ۱- تلاش برای تغییر محیط (۲۸) به منظور ایجاد تناسب بین ویژگی‌های محیطی و نیاز عینی یا ایده‌آل ذهنی شخص؛ ۲- تلاش برای انطباق با محیط (۲۹) به طوری که شخص تا حد امکان محیط را می‌پذیرد و تلاش می‌کند تا خود را با محیط و شرایط آن منطبق سازد؛ و ۳- کاهش

تعلق مکانی (۳۰) و گسست از محیط، که نوعی پشت کردن و «نه» گفتن به شرایط محیط زندگی وی است. گسست در شرایط نامطلوب محیطی واکنش خطرناکی برای حیات اجتماعی محسوب می‌شود، که مدیران و مسئولان می‌بایست آنها را مورد توجه قرار دهند. گسست از محیط شدیدترین واکنش به شرایط نامطلوب محیط است، که خود به دو شکل انجام می‌شود. شکل نخست گسست بیرونی است، به طوری که شخص به طور آشکار و علنی محیط را نفی می‌کند و با ترک محیط و مهاجرت به محیطی دیگر، نارضایتی خود را اعلام می‌دارد. اما در مواردی که امکان چنین گسست عملی و بیرونی برای شخص وجود ندارد، او به نوعی گسست درونی با محیط دست می‌زند و به عبارتی ضمن حضور کالبدی در محیط، حضور حقیقی در محیط ندارد و به انزوایگزینی روی می‌آورد. از این رو بروز رفتارهای انزواطلبانه در فضای شهری و در بین شهروندان، بایستی برای مسئولان شهری و مسئولان اجتماعی به طور عام‌تر زنگ خطری محسوب شود، تا در فکر تغییر شرایط نامطلوب محیط بیرونی و برنامه‌ریزی برای این تغییر به سمت مطلوب باشند.

از سوی دیگر، هنگامی که شرایط محیط با خواست فطری مردم سازگار نیست و مردم توانایی ایجاد تغییر محیط را ندارند و در عین حال شرایط در حد شکل‌گیری گسست بیرونی - و یا حتی درونی - با محیط نیست، مردم تلاش می‌کنند که خود را با محیط انطباق دهند. ممکن است توان انطباق‌پذیری انسان با محیط، توان مثبت ارزیابی گردد و تصور شود که بدین ترتیب انسان می‌تواند در شرایط حاد محیطی نیز به حیات خود ادامه دهد. اما بایستی بین زندگی در شرایط مطلوب و زندگی در شرایط حاد محیطی تفاوت قائل شد. همواره بین محیط مطلوب و محیط تحمل‌پذیر فاصله وجود دارد. محیط تحمل‌پذیر به هیچ روی به مفهوم محیط مطلوب نیست. به عبارتی، این انسان است که با انعطافی که از خود در مواجهه با محیط بروز می‌دهد، شرایط حاد را به شرایطی تحمل‌پذیر بدل می‌سازد. اما بدون تردید تأثیرات روانی درازمدت زندگی در شرایط مطلوب با زندگی در شرایط تحمل‌پذیر متفاوت است. از سوی دیگر، با توجه به انعطاف‌پذیری و افزایش تدریجی تحمل انسان در مقابل محیط، خطری دیگر حیات انسانی او را تهدید می‌کند.

همان‌گونه که اشاره شد، محیط تحمل‌پذیر به هیچ روی به مفهوم محیط مطلوب نیست. بنابراین همواره بین محیط مطلوب و محیط تحمل‌پذیر فاصله وجود دارد. افزایش تدریجی تحمل انسان این فاصله را نیز افزایش می‌دهد، تا حدی که ویژگی‌های محیط تحمل‌پذیر شده نه تنها برای روح انسان بلکه برای جسم انسان نیز لطامت جبران‌ناپذیری را به همراه می‌آورد. به عبارتی، همین تحمل کردن و واکنش نشان ندادن، باعث می‌شود که انسان تدریجاً دچار مشکلات حیاتی گردد.

انطباق‌پذیری گاه پیامدهای منفی به دنبال دارد. آزمایش کلاسیک زیست‌شناسی بر روی قورباغه به

عدم رضایت شهروندان از محیط زندگی آنها می‌تواند واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشته باشد. ۱- تلاش برای تغییر محیط به منظور ایجاد تناسب بین ویژگی‌های محیطی و نیاز عینی یا ایده‌آل ذهنی شخص؛ ۲- تلاش برای انطباق با محیط؛ و ۳- کاهش تعلق مکانی و گسست از محیط، که نوعی پشت کردن و «نه» گفتن به شرایط محیط زندگی وی است

بهترین نحوی مسئله انطباق‌پذیری تدریجی و خطرها و پیامدهای ناشی از آن را نشان می‌دهد. اگر قورباغه‌ای را به ناگاه وارد آب جوش کنیم، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد؛ از آن بیرون می‌جهد، و بدین ترتیب خود را از خطر مرگ می‌رهاند. اما اگر قورباغه را وارد آب ولرم کنیم و تدریجاً به آب حرارت دهیم، قورباغه نیز تدریجاً با حرارت آب انطباق پیدا می‌کند و واکنش جهش را انجام نمی‌دهد. این عدم واکنش آنقدر ادامه می‌یابد تا آب به جوش آید و قورباغه تدریجاً حیات خود را از دست بدهد. بدین ترتیب در نمونه اول که تغییرات سریع انجام می‌شود و فرصت انطباق‌پذیری وجود ندارد، واکنش موجب حفظ جان می‌گردد؛ حال آنکه تغییرات تدریجی با انطباق تدریجی همراه است و واکنش حیاتی لازم انجام نمی‌گیرد. پس بایستی توجه داشته باشیم که هر چند انطباق با محیط نامطلوب در کوتاه مدت امکان ادامه حیات در این محیط را فراهم می‌کند، اما در درازمدت خود باعث مرگ و نابودی حیات می‌شود.

برخی از تأثیرات منفی انطباق‌پذیری انسان را در نمونه‌های مسائل محیطی می‌توان دید. یک نمونه واکنش



سیستم ادراکی و همین‌طور سیستم حسی انسان نسبت به آلودگی صوتی است. کسانی که در نزدیکی بزرگراه‌ها زندگی کرده و در معرض آلودگی صوتی دائمی قرار داشته‌اند، در موارد بسیار از مزاحمت سروصدا شاکي نبوده‌اند، چرا که تدریجاً با افزایش تردد و افزایش سروصدا انطباق پیدا کرده‌اند، اما در قبال این انطباق ادراکی، دستگاه شنوایی آنها آسیب‌های جبران‌ناپذیری دیده است و دچار سنگینی شنوایی - و در مواردی نیز ناشنوایی - در برخی از طول موج‌های خاص شده‌اند.

انطباق تدریجی سازوکار بدن انسان با آلودگی هوای شهرها، نمونه دیگری از این انطباق‌پذیری است. این انطباق باعث می‌شود که واکنش‌های آبی مانند قرمز شدن و آبریزش چشم در هوای آلوده بروز نکند؛ اما افزایش بیماری‌های مزمن و گاه مهلک تنفسی از نتایج درازمدت این انطباق‌پذیری است. در واقع زمانی که تغییرات کیفی محیط به‌طور تدریجی صورت گیرد، سازوکار بدن به‌جای واکنش و اعلام خطر، تدریجاً با محیط انطباق پیدا می‌کند و به نوعی دچار اختلال می‌گردد.

شتابناکی زندگی شهری امروز، حاصل همین تلاش انسان برای انطباق محیط شهری خود است. تعدد وقایع و تنوع ابعاد زندگی باعث می‌شود که ادراک از گذر زمان افزایش یابد و انسان احساس کند که زمان سریع‌تر از گذشته در گذر است؛ بنابراین ناگزیر در رقابتی ناخودآگاه با سرعت گذر زمان قرار می‌گیرد و با افزایش سرعت فعالیت‌های خود تلاش می‌کند تا خود را با سرعت گذر زمان انطباق دهد. کسانی که به زندگی شهری امروز عادت ندارند، عمدتاً از انجام بموقع امور و برنامه‌های خود باز می‌مانند. این عقب ماندن نوعی اختلال محیطی است که نشان می‌دهد در شرایط محیط اشکال وجود دارد.

تا زمانی که شخص در رفتار خود تجدیدنظر نمی‌کند و بموقع به کارها نمی‌رسد، خطر خاصی وی را تهدید نمی‌کند. عدم توفیق در انجام کارها، زنگ خطری نسبت به اندازه شهر و شرایط زیستی حاکم در آن است. اما تدریجاً شخص خود را با محیط و شرایط آن وفق می‌دهد و به منظور کاهش از خطر عقب ماندن و نرسیدن بموقع به کارها، بر سرعت فعالیت‌های خود می‌افزاید. انطباق‌پذیری با سرعت گذر زندگی شهری، از سرعت یافتن تحرک فیزیکی وی تا استقبال از مکان‌های عرضه غذاهای فوری، و بالاخره کوتاه کردن طول و حتی سطح تبادلات اجتماعی وی ادامه می‌یابد. به عبارتی، شخص به منظور غلبه بر کمبود وقت و اضطراب زمانی دائمی که در آن قرار دارد، حتی از سلام و علیک در خیابان یا تلاش برای آشنایی رودررو با همسایگان امتناع می‌ورزد و

- 1- Calhoun, J; **Population Density and Social Pathology**, Scientific American, February, 1962.
 2- Elgin, D. and T. Thomas, T. Logothetti, S. Cox; **City Size and the Quality of Life**, Stanford Research Institute, National Science Foundation, Washington, D.C., 1974.
 3- Fruin, J.; **Pedestrians, Planning and Design**, Metropolitan Association of Urban Designers and Environmental Planners, Inc. New York, 1971.
 4- Gibson, J. J.; "Events are perceivable but time is not", In Fraser & Lawrence (Eds) *The Study of Time II* (pp. 295-301), Springer, New York, 1975.
 5- Hull, B.; "Image Congruity, Place Attachment and Community Design", *The Journal of Environment and Behavior*. Vol.22, No.32, March, 1992.

تدریجاً دچار نوعی بی حسی محیطی (۳۱) می شود. بدین ترتیب نگرانی از نرسیدن بموقع به کارها و ضرورت حرکت سریع تر، کاهش تبادلات اجتماعی و حیات اجتماعی را به دنبال دارد. این جریان آنقدر ادامه می یابد که عملاً به مرگ حیات اجتماعی شهروند می انجامد.

برای آنکه از ایجاد چنین شرایطی که نهایتاً به مرگ حیات اجتماعی می انجامد جلوگیری شود، در برخی از نقاط دنیا به راهکارهای ابداعی رو آورده شده است. برای نمونه، در یکی از شهرهای ایتالیا در مبارزه با شتابناکی زندگی شهری، احداث رستوران های مخصوص غذای فوری ممنوع شده است. بدین طریق مسئولان شهری امیدوارند تا با ایجاد موانع عینی بر سرعت یافتن فعالیت ها و رفتارها، شهروندان را بار دیگر متوجه سرعت معقول و متناسب زندگی کنند و امکان تجدیدنظر در رفتارهای شان را فراهم آورند.

انسان در بسیاری از مواقع با پذیرش شرایط و انطباق پذیری بیش از حد محیط، شرایطی ویرای تحمل انسانی را می پذیرد؛ و همین امر خطری است که انطباق پذیری برای انسان به وجود می آورد. همان طور که سرخی و ریزش اشک از چشم می تواند خطر آلودگی هوا را به ما اعلام کند، انطباق تدریجی با آلودگی نیز خطرهای ناشی از آن را پنهان می دارد. واکنش های اجتماعی در شرایط نامطلوب محیطی نشانگر خطرند و انطباق های اجتماعی این خطر را پنهان می کنند. در همین

موضوع ادراک زمان و سرعت زندگی شهری، تسریع تحرک و فعالیت، تلاشی برای انطباق با شرایط محیطی است. ضمن آنکه این تلاش تداوم حیات طبیعی در شهرهای امروز را تضمین می کند، در عین حال حیات اجتماعی را مختل می سازد و در دراز مدت تأثیراتی فرسایشی بر روح و روان شهروندان می نهد. خلاصه آنکه، اگر چه انطباق پذیری در گذشته کلید موفقیت نسل بشر بوده است، اما در آینده می تواند به عامل نابودی حیات اجتماعی بدل شود؛ از این رو بایستی به زنگ های خطر با دقت و حساسیت گوش فراداد.

۵- زندگی شهری امروز

بزرگ شدن مقیاس و ابعاد زندگی شهری، عدم خوانایی شهرها، افزایش تحرک مکانی، افزایش فاصله های اجتماعی و تضعیف نظام اجتماعی سنتی همگی از تبعات زندگی در شهرهای بزرگ اند و خود موجب انزوای فردی و اجتماعی می شوند. اما از آنجا که انسان موجودی است انطباق پذیر، این انطباق پذیری به وی قدرت تحمل و سازگاری در شرایط نامطلوب محیط را می دهد و در کنار آن علائم اختلال و مسائل و مشکلات اجتماعی را از نظر پنهان می دارد. بنابراین می بایست نسبت به تفاوت های محیط زیست مطلوب و محیط زیست تحمل پذیر آگاه بود و این دور را از هم به خوبی تشخیص داد. بررسی کوچک ترین تغییرات در رفتار فردی و اجتماعی مردم می تواند خبر از تلاش برای انطباق پذیری با شرایط نامطلوب داشته باشد.

امروزه رشد سریع شهرهای ایران شرایط محیطی جدیدی را برای زندگی رقم زده است و تراکم جمعیت در این مراکز زیستی ویژگی هایی را برای آنها به وجود آورده است. وسعت و گستردگی شهر و همچنین تراکم بالای جمعیت در سطح شهر، از جمله ویژگی های شهرهای بزرگ ایران هستند. این شرایط، افزایش تعداد و مدت سفرهای روزانه و حجم بالای تردد، افزایش آلودگی صوتی، پهره مند نبودن شهرهای بزرگ کشور از شبکه مطلوب حمل و نقل عمومی، وابستگی شدید به اتومبیل شخصی، هزینه بالای زندگی و نظایر اینها را به همراه داشته است. این همه بر ادراک ضرباهنگ تند شهری تأثیر گذاشته و زمینه های تلاش برای انطباق پذیری محیطی را به وجود آورده است. تغییر رفتار، و کاهش سطح روابط اجتماعی از جمله این تلاش ها برای انطباق پذیری است.

از آنجا که یکی از مهم ترین اهداف شهرسازی ایجاد محیط های کالبدی متناسبی است که در آنها روابط اجتماعی مطلوب شکوفا گردد و مفاهیمی چون هویت و تعلق مکانی و محله مسکونی در اذهان شکل گیرند،

بروز رفتارهای انزوای طلبانه در فضای شهری و در بین شهروندان، بایستی برای مسئولان شهری و اجتماعی زنگ خطری محسوب شود، تا در فکر تغییر شرایط نامطلوب محیط بیرونی و برنامه ریزی برای این تغییر به سمت مطلوب باشند

هرچند که توان در فرم کلان شهر، ساختار و اندازه آن تأثیر گذاشت، اما می توان با تمهیداتی از این دست، از طریق ایجاد محله های آرام و امن بر احساس شهروندان مؤثر واقع شد و ادراک آنها را از سرعت زندگی شهری و ضرباهنگ شهری تعدیل کرد و از این راه تقویت روابط اجتماعی را ممکن ساخت

6- Lansing, J.; **Planned Residential Environments**, Ann Arbor Survey Research Center, 1970.
 7- Lowin, A. and J. H. Hottel B. E. Sandler, M. Bornstein, "The pace of life and sensitivity to time in Urban and Rural Settlements: A preliminary study", *Journal of Social Psychology*, 83, pp. 247-253, 1971.
 8- Milgram; **The Experience of Living in Cities**, Science, 167, pp. 1461-1468, 1970.
 9- Sadalla, E and V. Sheets, H. MC Creth, "The Cognition of Urban Tempo". In *Environment and Behavior*. Vol. 22, March 1990.
 10- Schmitt, R.; "Density, Health and Social Disorganization", *Journal of the American Institute of Planners*, January 1966.
 11- Seeman, M.; **Alienation and Engagement in Campbell & Converse, The Human Meaning of Social Change**. Russell Sage Foundation, New York, 1972.

با نوشتن ها:

- 1- Alienation
- 2- Seeman
- 3- congestion
- 4- Density
- 5- Schmidth
- 6- Calhoun
- 7- Lansing
- 8- Gibson
- 9- Number
- 10- Nature
- 11- Frustration
- 12- Time emergency
- 13- Urban pace of life
- 14- Urban Tempo
- 15- Subjective
- 16- Fast paced
- 17- Slow paced
- 18- Fruin
- 19- Pedestrians
- 20- Unimpeded Free Flow Speed
- 21- Duration estimate
- 22- Sadalla
- 23- Frustration
- 24- Cluster Analysis
- 25- Multidimensional Analysis
- 26- Biological clock
- 27- Hull 1992
- 28- Adjustment
- 29- Adaptation
- 30- Limited place attachment
- 31- Environmental numbness

بایستی به راهکارهای مناسب برای نیل به اهداف مذکور اندیشید. برنامه‌ریزان و طراحان شهری می‌بایست در پی آن باشند که با استفاده از ابزارهای کالبدی، و با متناسب کردن محیط شهری و کاهش تنش آنها، به حل معضلات ادراکی و نیازهای عملکردی شهروندان بپردازند و برای ایجاد و تداوم حیات اجتماعی آنها تلاش کنند. برای نمونه، حتی الامکان باید عوامل کالبدی راه، که ضرباهنگ تند شهری را تداعی می‌کنند، شناسایی کرد و در پی اصلاح این عوامل کالبدی و تخفیف ضرباهنگ تند شهری بود. در این راه، حذف موانع شکل‌گیری مفهوم اجتماعی محله می‌تواند در فهرست برنامه‌های کاری قرار گیرد. در این میان حذف ترافیک سریع و عبوری شهری از درون محله‌های مسکونی، که در ایجاد ادراک ضرباهنگ تند شهری مؤثر است، ضروری است. ابزارهای طراحی شهری مورد استفاده برای این امر می‌تواند راهکارهای گوناگون آرام‌سازی ترافیک باشد که در دهه‌های اخیر در سایر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. به عبارتی، هر چند که نتوان در فرم کلان شهر، ساختار و اندازه آن تأثیر گذاشت، اما می‌توان با تمهیداتی از این دست، از طریق ایجاد محله‌های آرام و امن، بر احساس شهروندان مؤثر واقع شد و ادراک آنها را از سرعت زندگی شهری و ضرباهنگ شهری تعدیل کرد و از این راه تقویت روابط اجتماعی را ممکن ساخت.

۶- افق آینده

طراحان شهری می‌بایست در پی آن باشند که عوامل مؤثر محیطی را شناسایی کنند و حتی الامکان با ایجاد محیط‌های مطلوب از ادراک منفی و واکنش‌های نامطلوب پیامد آن بکاهند. در این زمینه، روان‌شناسی محیطی به عنوان روش شناخت، و طراحی شهری به عنوان ابزار مداخله به کار شهرساز می‌آید.

امروز طراحی شهری بایستی به طور عمیق به درک مسائل روانی شهروندان و نحوه تأثیر ویژگی‌های محیط مصنوع بر نیازهای روحی و روانی آنان بپردازد و بدین ترتیب تحلیلی روشن و علمی از نیازهای کالبدی شهروندان ارائه دهد. برای نمونه، در همین موضوع ادراک از سرعت زندگی شهری و ضرباهنگ شهری، راهکارهای طراحی شهری می‌تواند در کاهش احساس و ادراک سرعت زندگی شهری و ضرباهنگ شهری مؤثر واقع شود و با سامان‌دهی و تأکید بر مسائلی چون ساختار محله‌ای، جزایری نسبتاً امن و آرام برای شهروند ایجاد کند؛ که شهروند در آن از هیاهو و سرعت زندگی شهری در امان باشد و امکان بهره‌مندی از آسایش توأم با آرامش را داشته باشد. رسالت طراحی شهری تنها زیباسازی محیط نیست، بلکه می‌بایست از زیباسازی تنها به عنوان یکی از ابزارهای سامان‌دهی به محیط زیست کالبدی - اجتماعی شهروندان بهره برد.

رسالت طراحی شهری عبارت است از شناخت مسائل و مشکلات زیستی انسان در محیط شهری، درک صحیح علل بنیادین و زمینه‌های واقعی این مشکلات، و استفاده از ابزارهای طراحانه برای بهبود کیفیت محیط شهری، تا بدین ترتیب نیازهای انسانی شهروندان در همه سطوح به بهترین وجه تأمین گردد. آنچه در این میان به ویژه برای ما اهمیت دارد، آن است که بایستی با ابزارهایی که به عنوان طراح شهری در اختیار داریم، امکان آن را فراهم سازیم که از مشکلات ادراکی در فضای شهر بکاهیم و محیط شهری را به فرم و شکل ادراکی مطلوبی درآوریم. این مطلوبیت ادراکی در نهایت بر نحوه رفتار و کارایی مردم در فضای شهری تأثیر می‌گذارد و آنچه که هدف غایی طراحی شهری است حاصل می‌آید.

رسالت طراحی شهری عبارت است از
 شناخت مسائل و مشکلات زیستی انسان
 در محیط شهری، درک صحیح علل
 بنیادین و زمینه‌های واقعی این
 مشکلات، و استفاده از ابزارهای
 طراحانه برای بهبود کیفیت محیط
 شهری، تا بدین ترتیب نیازهای انسانی
 شهروندان در همه سطوح به بهترین وجه
 تأمین گردد